

بررسی ارتباط هوش با میزان سازگاری در سربازان قرارگاه بیمارستان بعثت نهاجا

*مهرداد پنجه‌بند^۱، حسین تیموری^۲، معصومه شکرایی^۳

چکیده

مقدمه: تعدادی از دانشمندان هوش را به عنوان توان سازگاری با موقعیت‌های جدید مطرح کرده‌اند. از آنجا که خدمت سربازی شرایط جدید را برای فرد ایجاد می‌کند که باید فرد تغییراتی را در رفتار خود داشته باشد تا بتواند با شرایط جدید سازگار شود. لذا این پژوهش به منظور بررسی ارتباط بین هوش و سازگاری بین سربازان دیپلم و زیردیپلم طراحی گردید.

روش بررسی: روش تحقیق علی - مقایسه‌ای می‌باشد. نمونه مورد پژوهش شامل ۶۲ نفر از سربازان دیپلم و زیردیپلم قرارگاه بیمارستان بعثت بود. برای اندازه‌گیری هوش از آزمون ریون بزرگسالان و برای اندازه‌گیری میزان سازگاری از مقیاس سازگاری اجتماعی آزمون بل استفاده گردید. روش‌های آماری شامل آمار توصیفی، میانگین، انحراف استاندارد، نمودار و آمار تحلیلی شامل همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یک راهه و نرم‌افزار مورد استفاده SPSS بود.

یافته‌ها: میانگین سنی سربازان ۲۰/۸ سال ($0/91 \pm SD$) و میانگین مدت خدمت ۱۳/۳۲ ($5/9 \pm SD$) با میانگین هوشی ۹۷/۳۸ با ($15/89 \pm SD$) بود. برای بررسی ارتباط هوش با مقیاس سازگاری اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج نشان داد بین این دو ارتباط قابل ملاحظه‌ای وجود دارد $r = -0/509$ همچنین برای مقایسه نمره سازگاری در سه سطح هوشی از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده گردید؛ تفاوت در سطح ۰/۰۱ که معنی‌دار بود.

بحث و نتیجه‌گیری: با افزایش ضریب هوشی در بین سربازان میزان سازگاری اجتماعی آنان نیز افزایش پیدا می‌کند و افراد باهوش بالاتر، بهتر می‌توانند با موقعیت جدید سازگاری پیدا کنند.

کلمات کلیدی: هوش، سربازان، سازگاری اجتماعی

مجله علمی ابن سینا / اداره بهداشت و درمان نهاجا (سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۶، مسلسل ۲۶)

۱. کارشناس ارشد روانشناسی، مرکز آموزش ابهدا

نهاجا (مؤلف مسؤول)

۲. حسین تیموری، کارشناس پرستاری، اداره بهداشت و

درمان نهاجا

۳. کارشناس ارشد مدیریت آموزش، بیمارستان بعثت نهاجا

مقدمه

همچنان که افراد بشر از نظر شکل و قیافه ظاهری با یکدیگر تفاوت دارند، از نظر خصایص روانی مانند هوش، استعداد، رغبت و دیگر ویژگی‌های روانی و شخصیتی نیز بین آنان تفاوت‌های آشکار وجود دارد [۱].

موضوع هوش گرچه در قرون گذشته تحت عناوین عقل یا خرد مورد توجه ادبا و فلاسفه بوده است لیکن طرح آن به‌گونه روان‌شناختی امروز ویژه قرن بیستم است [۲]. هرچند دانشمندان از آغاز قرن هجده و نوزده در باب ماهیت هوش و اهمیت آن در امور انسانی اندیشه کرده‌اند، ولی هیچ‌گاه تعریف واحد یا تعریفی که مورد قبول اکثر دانشمندان و کسانی که دست‌اندرکار این موضوع هستند به‌دست نیامده است و کوشش‌هایی که برای تدوین یک تعریف دقیق از هوش به عمل آمده اغلب با مشکل مواجه بوده و به تعریف‌های بحث‌انگیز منجر شده است و دلیل این امر آن است که هوش یک مفهوم انتزاعی است و در واقع هیچ‌گونه پایه محسوس، عینی و فیزیکی ندارد؛ هیچ نقطه‌ای در مغز انسان وجود ندارد که بتوان آن را جایگاه هوش دانست. اصطلاح هوش فقط نامی است که به فرایندهای ذهنی فرضی یا مجموعه رفتارهای هوشمندانه اطلاق می‌شود و نظریه‌های هوش در عمل نظریه‌های مربوط به رفتار هوشمندانه هستند [۳].

یکی از تعریف‌هایی که خیلی زیاد مورد استفاده قرار گرفته تعریفی است که وکسلر در ۱۹۵۸ پیشنهاد کرده است. او هوش را به عنوان یک استعداد کلی شخص برای درک جهان خود و برآورده ساختن انتظارات آن تعریف کرده است [۴]. بنابراین از نظر او هوش شامل توانایی‌های فرد برای تفکر منطقی، اقدام هدفمندانه و برخورد مؤثر با محیط است. تعداد دیگری از دانشمندان هوش را به عنوان توان سازگاری با موقعیت‌های جدید مطرح کرده‌اند. در واقع این نظریه بیشتر تحت تأثیر نظریه تکاملی لامارک و اسپنسر شکل گرفته است. گفته می‌شود که در مسیر تکامل موجودات، آنهایی که با هوش‌تر بوده‌اند بهتر توانسته‌اند خود را از مخاطرات دور نگه‌دارند یا مخاطرات را به

کلی دفع نمایند.

در مورد انسان، سازگاری با محیط مستلزم دو تلاش مکمل با هم است؛ یکی تغییر محیط آن‌گونه که ساخت فیزیکی و شخصیتی فرد اقتضا می‌کند و دوم انطباق فرد با شرایط محیط یعنی تغییر فرد به اقتضای زمان و مکان. در این نظریه همان‌طور که ملاحظه می‌شود با اینکه عوامل وراثتی در مرحله اول اهمیت قرار می‌گیرند، عوامل مربوط به یادگیری و محیط کاملاً از آن حذف نمی‌شوند. برای اینکه فرد بتواند خود را با محیط سازگار کند، یا اینکه پاسخ سوآلی را به‌طور مطلوب بدهد لازم است که علاوه بر توان وراثتی از تجربیات قبلی زندگی خود بهره بگیرد. افزون بر این، مواردی وجود دارند که سازگاری با آنها را باید بیشتر به حساب عوامل شخصیتی گذاشت تا عوامل مربوط به هوش به‌طور مثال ناسازگاری بیماران روانی با محیط فیزیکی و اجتماعی خود، یا ناسازگاری عقیدتی یک فرد با محیط زندگی خود را نمی‌تواند به حساب کم هوشی او گذاشت.

به‌طور کلی سازگاری را می‌توان فرایند در حال رشد و تحول و پویایی دانست که شامل توازن بین آنچه افراد می‌خواهند و آنچه جامعه‌شان می‌پذیرد. به عبارت دیگر سازگاری یک فرایند دو سویه است از یک طرف فرد به صورت مؤثر با اجتماع تماس برقرار می‌کند و از طرف دیگر اجتماع نیز ابزارهایی را تدارک می‌بیند که فرد از طریق آن توانایی‌های بالقوه خودش را واقعیت می‌بخشد؛ در این تعامل فرد و جامعه دستخوش تغییر و دگرگونی شده و سازش نسبتاً پایدار به‌وجود می‌آید. پیازه هوش را شکل خاصی از سازگاری شخص با محیط می‌دانست و لازمه سازگاری را تعامل کودک با محیط می‌دانست.

خدمت سربازی همراه است با تغییر شرایط محیطی که نیاز به تغییر در رفتار را برای فرد ایجاد می‌کند. او باید خود را با قوانین و مقررات هماهنگ سازد. بتواند در یک محیط جمعی خاص آموزش ببیند، کار کند و در واقع زندگی کند. این وضعیت، سازگاری مجدد را طلب می‌کند. بیشتر افراد می‌توانند خود را با محیط جدید سازگار کنند ولی عده‌ای هم هستند که نمی‌توانند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند، به همین جهت جهت دچار

مشکلات مختلف در طول خدمت می‌شوند.

هدف این پژوهش بررسی ارتباط هوش با سازگاری در بین سربازان می‌باشد. پرسش اصلی در این تحقیق آن است که آیا میزان سازگاری در بین سطوح مختلف هوشی (پایین، متوسط، بالا) در بین سربازان تفاوتی دارد یا خیر؟

روش بررسی

جامعه آماری مورد پژوهش را کلیه‌ی سربازان مستقر در قرارگاه بیمارستان بعثت تشکیل می‌دادند. برای انتخاب گروه نمونه معرف و افزایش دقت اندازه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده گردیده است. برای تعیین حجم نمونه از جدول اچ.اس.بولا استفاده گردید. از بین ۸۰ نفر سرباز که دارای تحصیلات بیش از پنجم ابتدایی بودند تعداد ۶۲ نفر به‌طور تصادفی انتخاب و از هر نفر آزمون ریون بزرگسالان و آزمون سازگاری بل (مقیاس سازگاری اجتماعی) گرفته شد. روش‌های آماری شامل آمار توصیفی، میانگین، انحراف استاندارد، نمودار و آمار تحلیلی شامل همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یک راهه و نرم‌افزار مورد استفاده SPSS بود.

روش پژوهش میدانی و همبستگی می‌باشد. با استفاده از یک گروه درباره دو متغیر، بدون آنکه هیچ‌یک از آنها دستکاری یا کنترل شوند اطلاعات جمع‌آوری می‌شود این‌گونه مطالعه را می‌توان برای بررسی این مطلب به‌کار برد که آیا متغیرهای مورد مطالعه با یکدیگر ارتباط دارند؟ و در صورتی که رابطه‌ای کشف شود آیا این رابطه مثبت یا منفی است و شدت و قدرت آن چه اندازه است؟ نکته‌ی مهم این است که مقصود گردآوری اطلاعات در پژوهش‌های همبستگی هرگز تحقیق درباره یک ارتباط علت و معلولی قاطع نیست.

ابزار سنجش هوش آزمون ریون بود این آزمون مستقل از فرهنگ می‌باشد فرم تجدید نظر شده آزمون برای اندازه‌گیری هوش افراد در همه سطوح توانایی از کودکان ۵ ساله تا بزرگسالان سرآمد به‌کار می‌رود. سؤال‌های مطرح شده در ماتریس‌ها، همه از یک نوع‌اند و همگی الگوهایی از تصاویر یا

نمودارها را نشان می‌دهند که بر اساس منطق خاص تنظیم شده‌اند. آزمودنی ابتدا باید منطقی را که بر اساس آن الگوی هر سؤال ساخته شده است را کشف کند و سپس از بین تصاویری که الگوی سؤال را کامل می‌کند انتخاب نماید. هوش سیال را اندازه‌گیری می‌کند. ماتریس‌های ریون به گونه‌ای است که برای همه آزمودنی‌ها به یک اندازه تازگی دارد. بنابراین برخورداری از شرایط بهتر اجتماعی و آموزشی در پاسخ دادن به سؤال‌های آن تأثیر چندانی ندارد.

به منظور سنجش سازگاری اجتماعی از آزمون بل استفاده گردید. این آزمون توسط خانم دکتر سیمولن تهیه گردید و دارای پنج خرده‌مقیاس می‌باشد که شامل: مقیاس خانه، سلامت، هیجان، شغل و اجتماعی که مجموعاً نمره سازگاری کل را به دست می‌دهند.

در این پژوهش از خرده‌آزمون سازگاری اجتماعی استفاده گردید. با افزایش نمره در این مقیاس میزان سازگاری کاهش پیدا می‌کند و افراد در سه طبقه ضعیف، متوسط و خوب گروه‌بندی می‌شوند.

یافته‌ها

در مجموع ۶۲ نفر از سربازان تحت مطالعه قرار گرفتند. میانگین سنی سربازان نمونه مورد مطالعه $20/17 (SD \pm 0/91)$ بود و میانگین مدت خدمت $13/26$ ماه $(SD \pm 5/9)$ و همچنین میانگین نمرات کسب شده توسط نمونه مورد مطالعه در آزمون هوش ریون $97/38 (SD \pm 15/89)$ و میانگین نمرات در آزمون سازگاری بل $13/58 (SD \pm 2/9)$ بود.

بررسی میزان همبستگی بین نمرات آزمون هوش و سازگاری نشان داد که بین این دو ارتباط قابل توجهی وجود دارد

$$(r = -0/509) \text{ که در سطح } 1 \text{ درصد معنادار بود } (p < 0/00)$$

آزمودنی‌ها بر اساس نمره به‌دست آمده در آزمون هوش بر مبنای یک انحراف استاندارد به سه گروه تقسیم شدند:

باهوش، متوسط و کم‌هوش نمرات هر سه گروه در آزمون سازگاری به‌وسیله آزمون آماری تحلیل واریانس یک راهه مورد

مقایسه قرار گرفت که تفاوت در سطح یک درصد معنادار بود و بیشترین میزان سازگاری مربوط به گروه باهوش بود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به میزان همبستگی به دست آمده بین نمرات تست هوش و سازگاری اجتماعی ($r = -0.509$) که در سطح ۱ درصد معنادار بود ($p < 0.00$). البته منفی بودن نمره همبستگی به این علت است که در تست سازگاری بل افزایش نمره نشانه سازگاری کمتر فرد می‌باشد) و همچنین در مقایسه‌ای که بین سه گروه افراد باهوش، متوسط و کم‌هوش به وسیله آزمون

تحلیل واریانس یک راهه انجام گرفت و تفاوت در میزان سازگاری معنادار بود و بیشترین تفاوت مربوط به افراد باهوش بود، می‌توان این طور نتیجه گرفت که با افزایش میزان هوش میزان سازگاری اجتماعی افراد نیز بیشتر می‌شود و این نتیجه با تئوری پیازه که هوش را به عنوان توان سازگاری با موقعیت‌های جدید مطرح می‌کرد هماهنگ می‌باشد.

به طور کلی از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به این که میزان هوش در سازگاری اجتماعی سربازان مؤثر است لذا برای پیش‌بینی سازگاری سربازان اصلح است در ابتدای خدمت از آنان تست هوش گرفته شود.

References

۱. شریفی، حسن پاشا، نظریه و کاربرد آزمونهای هوش و شخصیت، انتشارات جیحون ۱۳۷۶
۲. بهرامی، هادی، آزمونهای روانی، انتشارات علامه طباطبایی ۱۳۷۷
3. Aiken . Lewis R . psychological testing and Assessment . Massachusetts Allyn & Bacon Ins 1985
4. Kline . paul . intelligence . The psychometric view . London . Routledge .1991

The association between intelligence and compatibility rate in Besat hospital residence's soldiers

Abstract

Background: Some scientists have defined Intelligence as Compatibility ability in new situations. Military Service provides new situation for the individual that requires changes in behaviors to adapt with the new situation. This study is designed in order to investigate the association between soldier's intelligence and their Compatibility rate.

Materials and methods: The investigation was performed in ex-post facto method. Subjects under study were 62 Besat Hospital soldiers. Intelligence was evaluated by adult raven test. Compatibility rate was evaluated by Bell Test. Statistical Tests included descriptive statistics, mean, standard deviation, charts and analytical statistics (Including Pearson Correlation and one way analysis of variance).

Results: the average of soldiers' age and military service duration were 20.8 and 13.32, respectively. Intelligence quotient mean was 97.38 ± 15.89 SD. Pearson correlation was used to evaluate the association between intelligence and social Compatibility index and yielded a value of $r = -0.509$. one way analysis of variance was used to Compare Compatibility scores in three intelligence Levels. Difference was significant in 0.01 Level.

Conclusion: With increase intelligence in soldiers, their social Compatibility rate also increased and soldier with higher intelligence quotient have higher Compatibility in new situations.

Keywords: intelligence, intelligence quotient, military.

Panjehband M, M.S.

IRIAF Health Administration

Teimouri H, B.S.

Nursing M.S, IRIAF Health
Administration

Shokraei M, M.S.

Education Management M.S, Besat
Air Force Hospital